

کار

عَلَيْهِ السَّلَامُ

نَجْوَا

آیه زبانه

عوامل

تنمها

احمد عابدینی

مقدمه

آیاتی که در قرآن مجید در شأن حضرت علی علیه السلام و سایر اهل بیت نازل شده و یا ایشان از مصادیق بارز آن هستند، فراوان است. از طرف دیگر عمل به دستورهای قرآن از ناحیه تمامی مسلمانان پیوسته صورت می گرفت و همگان خود را موظف به عمل به آن می دانستند و لا اقل صحابه خالص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تلاش می کردند که به دستورات قرآن کاملاً عمل کنند. حتی برخی موارد به جهت عملی که حضرت علی علیه السلام یا یکی دیگر از صحابه انجام داده بودند آیه ای نازل می شد و آن عمل را مورد تحسین و ترغیب قرار می داد، سپس دیگران نیز به هر علت و انگیزه، انجام آن عمل را جزء برنامه های خویش قرار می دادند. از این رو ممکن بود برای برخی مشتبه شود که این آیه ابتدا در شأن چه کسی نازل شده است و چه کسانی بعداً به آن عمل کرده اند و به همین جهت گاهی شأن نزول ها یا اسباب نزول های مختلفی برای یک حادثه نقل شده است. گاهی نیز آیه ای در شأن کسی نازل شده بعداً در طول زمان، مفسران یا ائمه اطهار آن آیه را بر مصادیق دیگری جریان داده اند و به دنبال آن برخی دیگر از روی بی توجهی آن مصادیق و یا جری و تطبیق ها را نیز از شأن نزولها شمرده اند. گاهی نیز دست سیاست در کار بوده و با پول و زور و امثال آن شأن نزولها تغییر یافته یا در مقابل هر شأن نزول حقیقی، مشابهی نیز برای آن ساخته اند. در میان آیه ها

بیتنا

سال هفتم
شماره ۲۸

۱۹

تنها یک آیه است که فقط حضرت علی علیه السلام به آن عمل کرده است، و مفسران شیعه و سنی نیز مصداق دیگری برای عمل به آن آیه ذکر نکرده اند و از آن زمان تاکنون و از اکنون تا آخر الزمان هیچ کس دیگری نیز نمی تواند مصداق آن آیه باشد زیرا که آن آیه پس از نزول و پس از عمل به آن، به اتفاق جمیع مسلمانان نسخ شده است، بنابراین امکان عمل دوباره به آن وجود نداشته و ندارد.

به همین جهت کسانی که از روی اشتباه و سهل انگاری یا تعمد، در زمان خلفای اموی و عباسی آیه هایی را که در شأن اهل بیت و خصوصاً حضرت علی علیه السلام نازل شده بود به دیگران نسبت می دادند یا شأن نزول های مشابه برای خلفا و رؤسای فرقه ها می ساختند، در اینجا ساکت مانده اند و مشابه سازی نکرده اند و مصداق دیگری نیز ارائه نداده اند. بله در این آیه بحث دیگری مطرح کرده اند و آن این که آیا عمل انحصاری حضرت علی علیه السلام به این آیه فضیلتی است که از دیگران فوت شده یا این که فضیلت مهمی نبوده است.

اکنون ضمن بیان آیه و شأن نزول ها، به بررسی و تحلیل خود آیه خواهیم پرداخت و فضیلت بودن یا نبودن آن را از خود آیه و از روایت های اهل سنت مطرح خواهیم کرد. آن گاه روایت های شیعه در این باب را نیز نقل می کنیم.

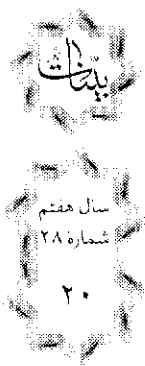
«یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجو یکم صدقه، ذلک خیر لکم و اطهر، فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم» (مجادله، ۱۲/۵۸) ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه [تصمیم] به گفت و گوی محرمانه با پیامبر دارید پیش از گفت و گوی محرمانه خود صدقه ای تقدیم بدارید، این [کار] برای شما بهتر و پاکیزه تر است، و اگر چیزی نیافتید بدانید که خداوند آمرزنده مهربان است.

شأن نزول

در مجمع البیان آمده است که:

... فانها نزلت فی الاغنیاء و ذلک انهم کانوا یاتون النبی صلی الله علیه و آله فیکثرون مناجاته فامر الله سبحانه بالصدقه عند المناجاة، فلما راو ذلک انتھوا عن مناجاته فنزلت آیه الرخصة عن مقاتل بن حیان و قال امیر المؤمنین علیه السلام ان فی کتاب الله لآیه ما عمل بها احد قبلی و لا یعمل احد بعدی. یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول. کان لی دینار فبعته بعشرة دراهم فکلما اردت ان اناجی رسول الله صلی الله علیه و آله قدمت درهماً، فنسختها الآیه الاخری. **اشفقتم ان تقدموا بین یدی نجو یکم صدقات**، (مجادله، ۱۲/۵۸) الآية ۱.

مقاتل بن حیان گفته این آیه پیرامون ثروتمندانی نازل شده است که زیاد با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخنان مخفیانه می گفتند. آن گاه خداوند امر کرد که هرگاه خواستند با آن حضرت مخفیانه سخن بگویند باید صدقه بدهند، هنگامی که آنان چنین دیدند از نجوای با آن حضرت خودداری کردند. و حضرت امیر مؤمنان فرمود: در کتاب خدا آیه ای است که هیچ کس قبل از من به آن عمل نکرده و هیچ کس پس از من نیز به آن عمل نخواهد کرد و آن آیه «یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم



الرسول...» است من دیناری داشتم آن را به ده درهم فروختم و هرگاه که می‌خواستم با آن حضرت نجوا کنم درهمی به عنوان صدقه می‌پرداختم تا این که آیه «أشفقتم ان تقدموا بین یدی نجویکم صدقات» آن آیه را نسخ کرد.

در تفسیر روح المعانی آمده است :

از مقاتل نقل شده که ثروتمندان نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌آمدند و زیاد با او در کوشی سخن می‌گفتند و در مجلس‌ها بر فقیران غالب می‌شدند به گونه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله نشستن‌های طولانی و نجوای آنان را خوش نداشت. آنگاه آیه نازل شد.^۲

در تفسیر الدر المنثور با چند سند از ابن عباس نقل می‌کند که مسلمانان بیش از حد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسش می‌کردند به گونه‌ای که برای پیامبر خدا، کار سخت شد و خداوند خواست که کار را برای فرستاده خود آسان‌تر کند [آنگاه چنین آیه‌ای را نازل کرد] و بسیاری از مردم از نجوای با آن حضرت امتناع ورزیدند و از او پرسش نکردند تا این که خداوند آیه «أشفقتم...» را نازل کرد. و بر آنان مجال پرسش را فراهم کرد و برایشان سخت نگرفت.^۳

باز در آن با سندهای متعدد از حضرت علی رضی الله عنه نقل شده که فرمود:

هیچ کس قبل از من یا بعد از من به این آیه عمل نکرده است، دیناری داشتم و آن را به ده درهم فروختم و هرگاه که می‌خواستم با حضرت نجوایی داشته باشم یک درهم صدقه می‌دادم تا این که آیه نسخ شد. بنابراین هیچ کس غیر من به آن عمل نکرد.

بررسی

همان‌گونه که روشن است تفسیرهای شیعی و سنی، روایی و غیر روایی یک شأن نزول - با کلمات و عبارات‌های مشابه - نقل کرده‌اند که گویی از یکدیگر رونویسی کرده‌اند که در کم‌تر موردی از آیه‌ها و فضیلت‌های اهل بیت چنین اتفاقی یافت می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که در شأن نزول آیه و شخص عمل‌کننده به دستور آیه اختلافی نیست. بلکه اگر اختلافی هست در این است که آیا آیه در صدد جلوگیری از نجوای تمام انسانها؟ و آیا نجوای افراد برای امور مهم و دینی بوده یا برای حاجت‌های شخصی و مادی؟ آنچه که از مقاتل نقل شده و در اکثر تفاسیر موجود است، نشان می‌دهد که ثروتمندان، زیاد با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نجوا پرداختند ولی نقل ابن عباس دلالت می‌کند که مردم زیاد از حضرتش سؤال می‌کردند. اما مورد سؤال چه بوده است از آن روشن نمی‌شود. لکن علی بن ابراهیم در تفسیر آیه الفاظی به کار برده که نوع سؤال نیز از آن استشمام می‌شود:

إذا سألتم رسول الله صلی الله علیه و آله حاجة فتصدقوا بین یدی حاجتکم لیكون اقصی لحوائجکم، فلم یفعل ذلک احد الا امیرالمؤمنین فانه تصدق بدینار و ناجی رسول الله عشر نجوات.^۴

وقتی از رسول خدا خواسته‌ای داشتید قبل از بیان حاجتان صدقه دهید تا حوائجتان آسان‌تر

برآورده شود [اما] هیچ کس به جز امیرالمؤمنین صدقه نداد تنها او بود که یک دینار صدقه داد و ده بار با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نجوا کرد.

از ابتدای بیان علی بن ابراهیم روشن می شود که نجواها برای درخواست چیزی بوده است زیرا از آنها به «حاجه» تعبیر شده است و باز از آن روشن می شود که «صدقه» در برآورده شدن حاجتها نقش دارد، بنابراین علت جعل صدقه، نقش مثبت آن در وصول به خواسته ها بوده است نه این که به عنوان بازدارنده از نجوای زیاد مطرح شده باشد. بنابراین آیه نجوا نظیر احادیثی است که می فرماید: «داووا مرضاکم بالصدقه، مریض های خود را همراه با صدقه مداوا کنید»، که صدقه دادن در تأثیر مداوا نقش اعدادی دارد و بای در «بالصدقه» به معنای «مع» است نه به معنای آلت و وسیله. به عبارت روشن تر، حدیث نمی خواهد دکتر و معالجه را نفی کند بلکه در صدد درآمیختن معالجه های طبیعی با کمک خواستن های معنوی است. آن گاه در آیه نیز مقصود همین است که شما حاجت خود را از رسول خدا بخواهید. ولی حاجت خود را با صدقه ای مشفوع کنید، تا راحت تر برآورده شود، اما از ذیل عبارت که مصداق نجوا کننده را بیان می کند، و از خارج می دانیم که حضرت علی رضی الله عنه شخصی نبود که تقاضاهای مادی داشته باشد بلکه نجواهای او یا برای فراگیری علم بوده یا برای بیان مسائل مهم، روشن می شود که تعبیر به حاجت در صدر عبارت، تعبیر جالبی نیست.

به هر حال آنچه که فعلاً مهم است این که آیه ای نازل شد و هرگونه نجوای با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مشروط به پرداخت صدقه کرد. و به دنبال آن همگان اعم از ثروتمند، افراد متوسط الحال، پرسش کننده مطالب علمی یا درخواست کننده حوائج دنیایی، و بالاخره بیان کنندگان امور مهم سیاسی - حیاتی و امور امنیتی با پیامبر صلی الله علیه و آله یا بیان کننده مطالب ریز و کم اهمیت، همه و همه از نجوای با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خودداری کردند و با این عمل نشان دادند آنچه که آنها آن را اخبار یا سؤال های مهم و... می دانستند و وقت شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برای بیان آن تضییع می کردند به اندازه یک درهم یا کمتر از آن نیز ارزش نداشته تا آن را صدقه بدهند و آن مطلب مهم را بیان کنند یا سؤال خود را پرسند. در این حادثه، نقاط ضعف ثروتمندان بیشتر آشکار شد زیرا معمولاً در جلسات، آنان مکان و ویژه دارند و فقرا برای آنان جای باز می کنند و به هر حال طبق نقل مقاتل که اکثر یا همه تفاسیر آن را پسندیده و ذکر کرده اند بیشترین وقت صحبت مخفیانه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را آنان به خود اختصاص می دادند و پرداختن صدقه نیز برای آنان عمل مشکلی نبود ولی با این حال از نجوای با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خودداری کردند و در این امتحان که «مال بهتر است یا نجوای با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» مال را برگزیدند. «و ازکی» و «اطهر» مطرح شده درآیه را به هیچ انگاشتند.

به هر حال بعد از نزول آیه تنها یک نفر، از امتحان سرفراز بیرون آمد و نجوای با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر مال ترجیح داد و یگانه دیناری را که داشت به ده درهم تبدیل کرد و برای هر نجوایی از آن ها را صدقه داد.

با توجه به این که دینار در آن زمانها به مقدار یک مثقال طلا بوده و حضرت تمامی آن را برای ده بار نجوای با پیامبر اکرم ص مصرف کرد و با توجه به قیمت طلا در این زمان، می توان گفت که او در هر بار حدود دویست تا سیصد تومان صدقه داد، که با وضعیت مالی نامطلوب حضرت علی ع مبلغ هنگفتی بود و این نشانه عشق او به نجوای با پیامبر اکرم ص و حرص و ولع او در یادگیری بوده است، خصوصاً با توجه به این که از شأن نزولها معلوم می شود که حضرت پول دیگری نداشته، چون می فرماید: «کان لی دینار، دیناری داشتم» اگر او دینارهای متعددی داشت می فرمود «اخذت دیناراً من دنائیری، دیناری از دینارهایم را برداشتم». از سوی دیگر، افرادی که در این امتحان شکست خوردند چنان سرافکننده شدند که حتی در صدد توجیه امساک خود نیز بر نیامدند بلکه از کلمات و گفته هایشان آرزوی داشتن چنین فضیلتی ظاهر است. بله طرفداران آنان در عصرهای بعد به فکر توجیهاتی افتاده اند تا بدین وسیله نقطه ضعف محبوبان خود (بزرگان از صحابه) را پوشانند، بدین جهت گاهی گفتند که فاصله زمانی بین نزول آیه با زمان نسخ آن بسیار کوتاه بوده و به همین جهت بزرگان از صحابه نتوانسته اند به آن عمل کنند و گاه گفتند که بزرگان صحابه از آیه قرآن این طور برداشت کردند که خداوند صدقه را قبل از نجوا قرار داده تا افراد، کم تر با پیامبر ص نجوا کنند و پیامبر اکرم ص راحت باشد. بنابراین ترک کنندگان نجوا خطا و ترک اولایی مرتکب نشده اند بلکه برعکس، نجواکنندگان پس از نزول آیه ترک اولی کرده اند و گاهی گفته اند اگر ثروتمندان اقدام به صدقه و نجوای با پیامبر اکرم ص می کردند، فقرایی که پول و امکانات نداشتند دل شکسته می شدند و توجیهاتی از این قبیل.

فخر رازی در تفسیر خود در ذیل آیه، توجیهات یاد شده را این گونه بیان می کند:

«و ان ثبت انه اخص بذلک فلان الوقت لا یتسع لهذا الغرض و الا فلا شبهة ان اکابر الصحابة لا یقعون عن مثله و اقول علی تقدیر ان افضل الصحابة وجدوا الوقت و ما فعلوا ذلک فهذا لایجر الیهم طعناً، و ذلک الاقدام علی هذا العمل مما یضیق قلب الفقیر... و یوحش قلب الغنی...» ۵.

از این عبارت به خوبی روشن است که وی در صدد دفاع از بزرگان صحابه است و در ذهن خویش نمی تواند تصور کند که فضیلتی وجود داشته باشد که آنان آن را درک نکرده باشند به همین جهت احتمالاتی ابداع می کند تا فضیلت بودن این عمل حضرت علی ع را زیر سؤال ببرد. از جمله: وقت برای صدقه دادن و نجوا کردن دیگران وسعت نداشته است. که می توان به او جواب داد:

اولاً: چطور برای حضرت علی ع وقت و فرصت کافی بود و حتی آنقدر وقت زیاد بود که ده مرتبه صدقه داد و ده مرتبه نجوا کرد ولی برای تمامی امت اسلام از خواص صحابه گرفته تا دیگران، حتی وقت یک نجوا هم وجود نداشت؟

ثانیاً: هیچ کس نگفته و هیچ عقلی هم قبول نمی کند که حضرت علی ع یک درهم صدقه

بدهد و نزد پیامبر اکرم ﷺ برود و تنها یکی دو جمله کوتاه نجوا کند و زود از پیامبر اکرم ﷺ جدا شود و دوباره پس از یکی دو دقیقه صدقه دیگری بدهد و نجوای دیگری انجام دهد تا به ده صدقه و ده نجوا در یکی دو ساعت نایل آید.

بنابراین به طور متوسط هر روز یک تا سه نجوا بیشتر امکان نداشته و متداول نبوده است و بنابراین مجموع نجواهای حضرت علی از سه روز بیشتر طول کشیده است، آن گاه چگونه در این مدت، دیگران امکان نجوا نیافته اند؟

ثالثاً: درباره مدت زمانی که طول کشید تا آیه نسخ شد دو قول بیشتر نیست ۱. ساعتی از روز ۲. ده روز و از مطالب گذشته روشن شد که قول اول درست نیست زیرا ده نجوای حضرت علی در ساعتی از روز غیر معقول است. بنابراین تنها قول دوم درست است که فاصله زمانی نزول آیه منسوخ و آیه ناسخ ده روز بوده است.

احتمال دیگری که فخر رازی ابداع می کند این است که اگر پول داران و ثروتمندان صدقه می دادند و با پیامبر خدا، نجوا می کردند فقرا دل آزرده می شدند. در جواب ایشان می توان گفت که اولاً: توجه به ذیل آیه این احتمال را به طور کلی نفی می کند زیرا فقرا از دادن صدقه معاف بودند و می توانستند بدون پرداخت صدقه با پیامبر اکرم ﷺ نجوا کنند، بنابراین از این جهت آزرده خاطر نمی شدند. ثانیاً: مسلماً نجوا کردن اغنیا موجب خوشحالی فقرا می شد زیرا که بر ثروتمندان واجب بود که برای هر نجوا صدقه ای بدهند و از این راه کمک به مستمندان و بی بضاعتان می شد نه این که سبب ناراحتی آنان فراهم شود. ثالثاً: تا حال جایی نشنیده ایم و در تاریخی ندیده ایم که فقرا از حضرت علی رضی الله عنه به خاطر نجواهای ده گانه اش با پیامبر خدا ابراز ناراحتی کرده باشند. رابعاً: بر فرض دل آزرگی، فقرا از ثروتمندان دل آزرده می شدند نه از افراد متوسط، بنابراین چرا افراد متوسط، از نجوا کردن امتناع ورزیدند؟

در نتیجه قاطعانه می توان گفت که بر همه جامعه اسلامی - غیر از حضرت علی رضی الله عنه - مال دوستی غایب کرد و حب مال بر حب نجوای با پیامبر اکرم ﷺ پیشی گرفت.

بله، نکته ای که فخر رازی بیان کرده «که اگر اکابر صحابه می دانستند این کار فضیلت است حتماً در انجام آن سستی به خرج نمی دادند» حرف صحیحی است اما منحصر به اکابر صحابه نیست. فراوانند افرادی که پس از اطمینان از فضیلت بودن چیزی، آن را انجام می دهند. مهم این است که قبل از آن، درون خود جوش، فرد را به کار خیر تشویق کند، مهم این است که فردی پیدا شود و بندگی به شرط مزد نکند. مهم این است که شخصی پیدا شود که آموزش علم در خدمت رسول اکرم ﷺ را بر متاع ناچیز دنیایی ترجیح دهد.

احتمال دیگری که مطرح شده تا کار حضرت علی رضی الله عنه بی اهمیت جلوه کند این است که گفته شده وجوب صدقه، قبل از نجوا، برای جلوگیری یا تقلیل نجوا بوده است و بنابراین خودداری

کنندگان از نجوا کاملاً کار مطابق با حق و حقیقت انجام داده اند.

جواب آن این است که اولاً: آیا در موارد مشابه، در قرآن یا روایات که انجام یک عملی مترتب بر انجام عمل دیگری شده باشد نیز همین سخن را می توان گفت؟ مثلاً در آیه «یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الى الصلاة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم...» (مائده، ۶/۵) که نماز خواندن را متوقف بر وضو گرفتن دانسته است آیا می توان گفت معلوم می شود نماز مطلوب خدا نیست و الا او را مقید به وضو نمی ساخت؟!

یا در آیه «یا ایها الذین امنوا اذا جائکم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن...» (ممتحنه، ۱۰/۶۰) «ای کسانی که ایمان آورده اید، چون زنان با ایمان مهاجر، نزد شما آیند آنان را بیازماید.» آیا می توان گفت که ایمان و هجرت زنان، مطلوب خداوند نیست چون که برای آن شرط امتحان قرار داده است؟!

از تتبع در موارد مشابه روشن می شود که از سیاق کلام، جمله شرط، جزای شرط و تعلیق یکی بر دیگری، نمی توان محبوبیت یا عدم محبوبیت را فهمید بلکه آن مرتبط به خود عمل است که اگر مثل نماز، هجرت، ایمان و... بود مطلوب است و اگر مثل طلاق بود مطلوب و محبوب نیست. بنابراین باید بر خود موضوع متمرکز شد که آیا نجوای با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فی نفسه مطلوب است یا خیر؟ اگر نیست چرا قبلاً آن قدر دور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می نشستند که انسان تازه وارد حتی جایی برای نشستن پیدا نمی کرد به گونه ای که آیه قبل از آیه نجوا به تأدیب آنان پرداخت و فرمود: «... چون به شما گفته می شود در مجلس جای باز کنید، پس جای باز کنید» و اگر نجوای با حضرت مطلوب و محبوب است چرا مشروط شدن نجوا به صدقه، همگان را از نجوا بازداشت؟ در نتیجه می توان گفت که:

عمل حضرت علی علیه السلام حتماً فضیلت بوده و علاوه بر این، از فضائلی بوده که دیگران نمی توانسته اند به هیچ نحو آن را به خود ببندند. تعبیر «ازکی» و «اطهر» در آیه قرآن نیز فضیلت را می رساند. سخن ابن عمر در مورد این فضیلت نیز شنیدنی است:

کان لعلی بن ابی طالب ثلاث، لو کانت لی واحدة منهن لکانت أحب الی من حمر النعم، تزویجه فاطمه و اعطائه الراية بوم خیبر و آیه النجوا^۶ علی بن ابی طالب سه امتیاز داشت که اگر من یکی از آنها را داشتم برایم از داشتن شتران سرخ موی بهتر بود ۱. ازدواج او با فاطمه ۲. دریافت پرچم روز غزوه خیبر ۲. آیه نجوا.

این حدیث نه تنها در منابع حدیثی شیعه بلکه در تفاسیر اهل سنت هم وجود دارد.^۷ بر فرض چنین حدیثی هم وجود نداشت، باز الفاظ آیه یعنی «ازکی و اطهر» در اثبات فضیلت بودن آن عمل برای حضرت علی علیه السلام کافی است.

علاوه بر این، توییح موجود در آیه بعدی و طعنی که بر صحابه وارد می سازد و وارد نبودن آن

علی (ع) تنها عامل به آیه نجوا

طعن و اشکال بر حضرت علی علیه السلام خود، فضیلتی از فضایل است .
آیه بعدی چنین است :

«أشفتكم ان تقدموا بين يدي نجواكم صدقات ، فاذ لم تفعلوا و تاب الله عليكم فاقموا الصلوة
و...» (مجادله، ۱۳/۵۸) «آیا ترسیدید که پیش از گفت و گوی محرمانه خود صدقه‌هایی تقدیم
دارید؟ و چون انجام ندادید و خدا هم بر شما بخشید پس نماز را بر پای بدارید و...»
از این آیه معلوم می‌شود، افرادی که به خاطر مشروط شدن جواز نجوای یا حضرت به پرداخت
صدقه، از انجام آن خودداری کرده‌اند کار خلاف یا ترک اولایی مرتکب شده‌اند که خداوند آنان
را مورد عفو قرار داد. و آیه از آن عفو خبر می‌دهد و آنان را به تکالیفی چون اقامه نماز و پرداخت
زکات ترغیب می‌کند.

از قراین خود آیه که بگذریم خود کلام حضرت علی علیه السلام که شیعه و سنی در ذیل آیه، آن را نقل
کرده‌اند به خودی خود بر فضیلت بودن این عمل حضرت دلالت دارد زیرا حضرت فرمود: در کتاب
خدا آیه‌ای است که هیچ کس غیر از من، نه قبل از من و نه بعد از من به آن عمل نکرده است. ^۸
روشن است که حضرت علی علیه السلام این کلام را در جمع صحابه و در حضور افراد می‌فرموده
است نه در خانه و در جلسات خصوصی برای یک راوی تا او در تاریخ بنویسد و وقتی سخنی به
عنوان افتخار و فضیلت در بین جمعی که خود شاهد و حاضر قضیه بوده‌اند نقل شد و آنان آن را
رد یا توجیه نکردند، دلالت می‌کند که چنین افتخاری را قبول داشته‌اند، بنابراین اگر در صدر
اسلام در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صحابه و تابعان کسی این فضیلت حضرت را منکر می‌شد امکان
داشت که در فضیلت بودن آن شک شود ولی وقتی در قرن‌های اولیه و خصوصاً در زمان امویان
که بیشترین دشمنی و عدوت را با حضرت علی علیه السلام داشتند، این فضیلت و افتخار حضرت
علی علیه السلام زیر سؤال نرفت، شبهه‌های دیگران در قرن‌های بعدی مسأله را به هیچ نحو تغییر
نمی‌دهد. بنابراین ما نیازی نداریم که برای فضیلت بودن این واقعه، کلام عبدالله بن عمر را به
عنوان دلیل یا شاهد ذکر کنیم تا کسی بگوید این کلام از دید اهل سنت ثابت نیست.

مقدار صدقه لازم برای نجوا

اگر روشن شود چه مقدار صدقه برای نجوای با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرط بود شاید باز بتوان راهی
برای کرامت، بزرگواری و مردم دوستی حضرت علی علیه السلام در این واقعه پیدا کرد.
لفظ «صدقه» در فراز «فقدموا بین یدی نجویکم صدقه» نکره است و مقید به مقدار خاصی
نیست. در نتیجه چون بر صدقه کم نیز صدقه گفته می‌شود بنابراین پرداخت اندک مالی که بر آن
اسم صدقه صدق کند کافی بوده است. مثلاً در زمان ما که حداقل پول پنج ریال یا ده ریال است
به این مقدار از پرداخت مال نیز صدقه گفته می‌شود تا مقدارهای بالاتر و بالاتر و در آن زمانها به

پرداخت یک مشت گندم یا چند عدد خرما، صدقه صادق بوده است کما این که روایت‌های زیادی بر این مطلب دلالت دارد. و حتی برخی از ائمه... غلامشان را که با دو دست گندم مشت می‌کرد و به فقیر می‌داد منع کرد و فرمود: با یک کف^۹ و در حدیث دیگر به صدقه کم‌تر از درهم سفارش کرد.^{۱۰}

* علی (ع) تنها عامل به آیه نجوا

بنابراین مقدار یک درهم که حضرت علی علیه السلام برای هر نجوا پرداخت می‌کرد، پول زیادی بوده است و او حق داشته که مال کم‌تری را صدقه بدهد چون از روایت‌های متعددی معلوم می‌شود که دو درهم برای خرید یک لباس یا یک گوسفند کافی بوده است و از طرف دیگر وقتی پس از نزول همین آیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت علی مشورت کرد تا آیین نامه مقدار صدقه را مشخص کنند و تعیین کنند که هرکس قبل از نجوا، چقدر صدقه باید پرداخت کند، حضرت علی علیه السلام یک شعیره^{۱۱} را پیشنهاد کرد.

در تفسیر الدر المنثور از حضرت علی علیه السلام نقل شده که وقتی آیه نجوا نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من فرمود: «ما تری دیناراً؟ قلت: لا یطیقونه. قال: فنصف دیناراً؟ قلت: لا یطیقونه. قال: فکم؟ قلت: شعیره قال: انک لزهید. قال: فنزلت: «أشفقتم...» نظرت پیرامون یک دینار [به عنوان صدقه] چیست؟ گفتیم: تاب و تحمل آن را ندارند. فرمود: نصف دینار چطور؟ گفتیم: تاب و توانش را ندارند. فرمود: پس چقدر؟ گفتیم: یک شعیر (یک صدم دینار مطابق یک دهم درهم)، فرمود: به راستی که تو به کم قناعت می‌کنی! حضرت علی علیه السلام فرمود: آنگاه آیه «أشفقتم» نازل شد.

در تفسیر فخر رازی نیز همین حدیث تا «انک لزهید» آمده است و فخر رازی «انک لزهید» را این گونه معنی کرده است «انک قلیل المال فقدرت علی حسب حالک»^{۱۲} تو مالت کم است و به همین جهت مقدار صدقه را بر حسب حال خودت اندازه‌گیری کرده‌ای.

در بحارالانوار از ثعلبی نظیر آنچه در الدر المنثور بود نقل شده و به دنبال آن آورده الزهید: القلیل و كأنه یرید مقلل. ۱۳ باز از علی بن علقمه و سالم بن ابی الجعد نیز همین گونه نقل کرده است. ۱۴

بررسی

از این نقل‌ها روشن می‌شود که پس از پیشنهاد حضرت علی علیه السلام درباره صدقه و تقلیل آن به یک شعیر، آیه «أشفقتم» نازل شده و شرط پرداخت صدقه برای نجوا، نسخ شده است، از همین جا روشن می‌شود که سؤال و جواب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در آخرین نجوای حضرت علی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پس از پرداخت دهمین درهم بوده است، و احتمالاً در این مدت وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امتناع افراد از صدقه دادن برای نجوا کردن را دیده با حضرت علی علیه السلام درباره مقدار آن به بحث نشسته است و حضرت علی علیه السلام با این که خودش هر بار یک درهم

صدقه داده و در عین حال بی رغبتی مردم به صدقه دادن را نیز دیده و از سوی دیگر دلش نمی خواسته که مردم با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نجوا نکنند لذا سعی کرده که مقدار صدقه را کاهش دهد تا مردم رغبت بیشتری به آن پیدا کنند و از فیض نجوا محروم نشوند و با این چانه زنی ها محبت خودش را به امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان داده و با پرداخت یک درهم که حدود ده شعیر بوده بی رغبتی خود را به مال دنیا نشان داده است و به هر حال پس از امتحان شدن مردم و مردود شدنشان و قبول شدن تنها یک فرد در آن امتحان و نیز روشن شدن تفقد، مهربانی و دلسوزی این فرد برای امت، با نزول آیه «أَشْفَقْتُمْ» حکم سابق نسخ شد.

در نتیجه می توان گفت که تفسیر فخر رازی از جمله «انک لزهید»، قابل اشکال است زیرا طبق معنا و تفسیر فخر، حضرت علی علیه السلام چون کم مال بود یک شعیر را پیشنهاد کرد در حالی که از آنچه گذشت معلوم شد اولاً وی اگر چه کم بضاعت بود ولی ده مرتبه پشت سر هم و در هر مرحله یک درهم صدقه داد و ثانیاً پس از ده بار پرداخت صدقه، تنها هنگام مشورت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او در مقدار آن نظر داد.

بنابراین به نظر می رسد که کم کردن مقدار صدقه برای رعایت حال مردم بوده تا به پرداخت صدقه رغبت کنند. و به نجوای با آن حضرت مبادرت ورزند نه این که برای نفع خود، به چانه زنی در مقدار صدقه پرداخته است. بنابراین «انک لزهید» به این معنی است که تو به مقدار کم قانع هستی.

در الدر المثور نیز به سندی که خود به ضعف آن معترف است، از سعد بن ابی وقاص نقل می کند که آیه «یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجوایکم صدقه» نازل شد و من یک شعیر پرداختم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انک لزهید» تو به راستی به کم قناعت کردی آن گاه آیه «أَشْفَقْتُمْ» نازل شد. ۱۵

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله مطالعات علوم انسانی

بررسی

روشن است که این حدیث همان گونه که در الدر المثور نیز تصریح شده ضعیف است و سعد با حضرت نجوا نکرده است ولی به هر حال روحیه او را می رساند که در ذهنش بوده که شعیری بپردازد و سپس نجوا کند.

از آن چه گذشت روشن شد که به دنبال نزول آیه و مشروط ساختن نجوا به پرداخت صدقه، همه از آن امتناع کردند به جز حضرت علی علیه السلام و چون ده روز از واقعه گذشت و هیچ کس با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نجوا نکرد، مطلبی نپرسید و خبری بیان نکرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فکر چاره جویی افتاد و با حضرت علی علیه السلام که تنها فردی بود که صدقه می داد و نزد او می رفت به مشورت پرداخت و حضرت علی علیه السلام مقدار صدقه را از یک دینار که نظر و پیشنهاد پیامبر بود تقریباً به یک صدم آن تقلیل داد. خداوند نیز که اهدافش از نزول آیه محقق شده بود و فضایل و رذایل اطرافیان حضرت

بیانات

سال هفتم
شماره ۲۸

۲۸

را روشن ساخته بود آیه را نسخ کرد.

همچنین اشتباهات تفسیر کشف نیز روشن شد زیرا او در نقل واقعه، دو حدیث مختلف را به هم آمیخته و چنین برداشت کرده که «پس از پیشنهاد یک دینار از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و چانه زنی های حضرت علی رضی الله عنه و رساندن آن به یک شعیر (یک صدم دینار) و جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او «انک لزهید»، مردم ناراحت شده اند و از پرداخت صدقه خودداری کرده اند. «۱۶ در حالی که معلوم شد مردم از همان ابتدا از صدقه دادن خودداری کردند و پس از مشورت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت علی رضی الله عنه و تقلیل مقدار صدقه، آیه نسخ شد و زمانی برای ناراحتی و خودداری مردم باقی نماند. جالب است که روشن شود حواشی کشف نیز این اشتباه زمخشری را گوشزد کرده اند. ۱۷

آخرین بحثی که در ذیل آیه باقی ماند، تعیین مقدار یک شعیر (جو) است که حضرت علی رضی الله عنه آن را به عنوان مقدار صدقه واجب برای جواز نجوا با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشنهاد کرد. در لغت نامه دهخدا ذیل کلمه مثقال آمده است:

به اعتبار زمان و مکان، وزن مثقال متغیر بوده... در عرف چیزی است که وزن شده آن پاره ای از طلا و به مقدار ۲۰ قیراط باشد و... و قیراط پنج دانه جو متوسط است، پس وزن مثقال، یک صد دانه جو باشد و این قول بنا بر رأی متأخرین و وزن اهل حجاز و بیشتر شهرهاست... بیرجندی می گوید: دینار یک مثقال است که عبارت از یک صد دانه جو می باشد... ۱۸

البته پیرامون شعیر (جو)، قیراط، مثقال و... اقوال دیگری نیز هست که چون فعلاً مورد ابتلای ما نیست و مقدار دقیق آن در این بحث نقش چندانی ندارد از تحقیق پیرامون آن خودداری می شود.

۱. طبرسی، مجمع البیان، ۲۵۲/۹، دوره ۱۰ جلدی، دار انبیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ق.

۲. آلوسی، روح المعانی، ۴۴/۱۵، دارالفکر، بیروت.

۳. سیوطی، تفسیر الدر المنثور، ۱۸۵/۶، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، دوره شش جلدی.

۴. تفسیر علی بن ابراهیم، ۳۵۷/۲، مطبعة النجف، ۱۳۰۸ هـ.

۵. فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۲۷۳/۱۵، دارالفکر، بیروت.

۶. مجمع البیان، ۲۵۲/۹، ز. ک: بحارالانوار، ۳۷۷/۳۵، به نقل از کشف الغمّة.

۷. روح البیان، ذیل آیه، زمخشری، تفسیر کشف، ۴۹۴/۴.

۸. الدر المنثور، روح المعانی، تفسیر الکبیر، مجمع البیان... ذیل آیه.

۹. کافی، ۱۴/۴.

۱۰. همان، ۵۶۶/۳، ح/۶.

۱۱. شعیره به معنی یک دانه جو می باشد و مراد یک صدم مثقال طلا است. که تقریباً یک دهم درهم بوده است.

۱۲. تفسیر الکبیر، ۲۷۳/۱۵.

۱۳. مجلسی، بحارالانوار، ۳۷۷/۳۵.

۱۴. همان/۳۷۸ و ۳۸۲.

۱۵. الدر المنثور، ذیل آیه.

۱۶. کشف، ۴۹۴/۴، دارالکتب العربی، بیروت.

۱۷. همان.

۱۸. لغت نامه دهخدا، ۱۲/۱۷۸۸۶، ماده مثقال.

* علی (ع) تنها عامل به آیه نجوا

پیشکش

سال هفتم
شماره ۲۸

۲۹